

اکسیر نجات بخش، شرکت در مبارزات است

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

بیاییم اقلاً با خود روراست باشیم و بپرسیم چرا چنین است. چرا شخصی که در ۳۵ سال اخیر و در اروپا خاموشی گزیده چگونه سالی یکی دو بار و در پناه چند خطی که به مناسبتی می نویسد آب پاکی روی دست ها می ریزد. کل فعالیت انقلابی را در زمان رژیم سرنگون شده پیشین به گونه عمدی به مضحکه می کشد و گاه‌ها در ضمن مطلب خود، چندگرا و نشان شخصی هم می‌دهد! که سرگرمی‌ها بی پایان است و از قدیم گفته اند که از چپ بریده جداً باید ترسید. من برای عبور از این همه ائتلاف وقت و خاطره نویسی‌های پراکنده و منم منم زدن‌های دایناسورهای رفته زیاد همواره پیشنهادی داشته‌ام که خود عمل کرده‌ام. اکسیر عبور از این همه بیکاران و انحلال طلبان و تفرقه جوها که در ضمن هنوز فکر می‌کنند رستم شاهنامه خود نوشته خود هستند، بی شک حضور و ارتباط ارگانیک با تشکلات و محافل انقلابی و سوسیالیستی میهن است. وقتی شیرینی نشست و برخاست جوان ترین‌های محافل اپوزیسیون انقلابی را چشیدیم هرگز به دنبال مال باختگان به تقصیر نمی‌افتیم و میانه‌بازان را برای همیشه رها کرده و صحنه نبرد را میهن خود انتخاب می‌کنیم. این مسئله نه تنها شدنی و ممکن که صدها مبارز هم اکنون با محافل نزدیک به خود در میهن در ارتباط هستند. آیا میتوانیم این جو مبارزهای پراکنده را بهم بیوند نظری و عملی مترقیانه دهیم. گوئی شاه کلید قضیه همین جاست.

در گذشته تشکلاتی و بیشتر پس از فرار بزرگ اپوزیسیون به خارج از مرزهای میهن چنین تلاش‌هایی برای فعال نمودن مبارزین ایران در داخل مرزها صورت گرفت که اغلب به فاجعه تبدیل شد! بیاییم تلاش خود را بر محور ترغیب مبارزین به سازماندهی جنبش در میهن نماییم. حضور ماست در مبارزه که میتواند جنبش را از بیراهه‌هایی چون "مبارزات قانونی" و مماشات طلبانه و یا صد در صد صنفی و به کشتن دادن رفقا، برهاند. صحبت از سازماندهی مبارزه انقلابی است و به دور از تیررس روشنفکران پلاستیکی و دایناسورهای پرو و ماضی! آیا تجربه بازگشت با تجربه‌های مستقر در فعالیت

من همیشه باور داشته‌ام که هیچ مسئله‌ای برای یک نیروی انقلابی و ایذاً تشکیلات مبارز و مترقی زحمتکش مهم تر از پژوهش‌های تئوریک و شناخت رادیکال و ریشه‌ای از ساختار و عمل کرد پدیده‌های اقتصادی سیاسی و اجتماعی نیست. در عین حال و در همین راستا هم متوجه خطر بزرگتری هستیم که آنهم غرق شدن آگاهان طبقه کارگر و انقلابیون سوسیالیستی در دعوای نظری و دور افتادن از مبارزه متشکل علیه نظام حاکم است. من محافظی را که دست آخر از عوامل عمده پلمیک‌های بی پایان سیاسی و بی عمل می‌شوند را می‌شناسم و از فعالین مستقل یا متشکل این نحله بنام روشنفکران پلاستیکی نام برده‌ام و در همین راستا سخت علیه پراکندگی مبارزین و تفرقه تشکیلات انقلابی و سوسیالیستی موضع دارم. می‌نویسم که در شرائطی که رژیم بربریت حاکم بر میهن ما که مبلغ و حامی فرهنگ و امانده مذهبی و در عمل اجراکننده طرح‌های خانمان برانداز انحصارات امپریالیستی در منطقه است پیش از پیش مورد نفرت عمومی قرار می‌گیرد، برخی هنوز مشق تکرار تاریخ و تفرقه اندازی می‌کنند. در حالیکه هر آن امکان خروش مجدد مردم احساس می‌شود اما که، اپوزیسیون مترقی و انقلابی هنوز درگیر دعوای دست و پاگیر است. هر بار که چند نیروی مطرح و ریشه دار سیاسی در راستای اتحاد انقلابی قرار می‌گیرند، برخی با مطرح نمودن معضل و مسئله‌ای هر چند قابل تأمل و نابهنگام و زاویه دار در صدد انحلال جمع مذکور و لذا بهم خوردن تشکل تازه پا عمل می‌کنند. چرا و هنوز ما دور خود می‌گردیم و در پایان هر دور تسلسل بهم میرسیم و بحث جدیدی و مسئله‌ای تازه‌ای موجب سرگرمی بعضی‌ها میشود تا زنده بودن محفل خود را ثابت کنند و در عمل خواهان ادامه وضع موجود و دعوای زرگری حاضر هستند.

بارها تجربه کرده‌ایم که نیروئی تازه نفس به ما نزدیک می‌شود. جوانان و میان سالانی رهیده از زندان و ستم حکومتی توانا تره ولی پس از مدتی ترجیح میدهند که سر خود گیرند و رشد شخصی و سیاسی خود را مستقلاً پی‌گیرند! راستی

های کنفدراسیون دانشجویان خارج کشور را بیاد دارید. بسیاری از مبارزین و پاک بازاری که حتی جان بر سر پیمان نهادند و در حالی که هنوز از بهت حیرت جدائی از مسائل و محیط روانشناسی اجتماعی مردم فارغ نشده بودند مورد هدف قرار گرفتند.

وسعت مبارزه طبقاتی در میهن و در میان آوارگان بربریتی بنام جمهوری اسلامی ایران چنان ظرفیتی دارد که میتواند همه گونه نحلله های متفاوت انقلابی و سیاسی را در خود جای دهد و کسی جای دیگری را تنگ نمی نماید. میتوان فرهنگ و روش سیاسی مبارزه سوسیالیستی را برای دموکراسی و در راستای عدالت اجتماعی به پیش برد. برای ساختمان سوسیالیسم هم برخی ان را برای هم اکنون و حالا در شرائط ایران و در تک کشوری به همین نام می خواهند. این ترند هم لازمه حضور

جنبشی به همین نام در اجتماع است که خود در جریان مبارزه افکار و آراء خود را سبک سنگین خواهند نمود. من تنها امیدوارم که این شعارها محملی برای فرار از مبارزه رو در رو با دشمن زحمتکشان (چون گذشته) نباشد. که بهشتی را جار زده و پشت آن به عقب نشینی و ترک صحنه مبارزه طبقاتی بپردازیم! آنچه که مهم است، من باور دارم که چپ انقلابی به چهارچوب های ضروری مبارزه و بنیادهای فکری لازم رسیده و بی عملی و تکرار وظائف دفاعی میتواند آن را از متن مبارزات درون میهن دور نماید. معتقدم که حرکت مبارزین بسوی جنبش های مطرح در ایران آن اکسیری است که میتواند ما را از تیررس انحلال طلبان و تفرقه جویان دور نگهدارد.
